



رقبایم وعده ساختمان دادند، من پابرهنه انتخاب شدم

دلم برای زیرزمین فدراسیون هم تنگ شده بود!

با ویجویچ را نمی شناسم، سرمربی تیم ملی ایرانی است

بار دیگر به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب شدید اما برخی اعتقاد داشتند انتخابات مهندسی شده بود!

حسین جمشیدی-شهروند یکی از قدیمی ترین مدیران ورزشی ایران، بعد از ۶ ماه دوری از فدراسیون بسکتبال بار دیگر توانست به اتاقی که می گوید خیلی دلش برای آن تنگ شده بود، برگردد. مشحون که کمترین جنجال‌ها را در ماه‌های اخیر برپا کرده بود، خودش را پیروز انتخاباتی می داند که با برهنه وارد آن شده. با این حال رئیس فدراسیون بسکتبال که سابقه ۳ سال مدیریت در این فدراسیون را دارد، به آینده اصلا ناامید نیست، اگرچه از اقداماتی که در ۶ غیبتش رخ داده، به شدت انتقاد دارد. در ادامه گفت‌وگوی «شهروند» را با محمودمشحون می خوانید:

بار دیگر به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب شدید اما برخی اعتقاد داشتند انتخابات مهندسی شده بود!

بهتر است دوستی که چنین ادعایی دارند، تعداد آرای به دست آمده را ببینند. ۶ ماه است که فدراسیون سرگردان مانده و اگر قرار بر مهندسی بود، قطعا زودتر باید تکلیف فدراسیون مشخص می شد. من در این مدت فقط سکوت کردم، در حالی که می توانستم با روسای هیات‌ها تماس بگیرم و بگویم به من رای بدهید اما دوستانی که وعده پول و ساختمان ۴۰۰ متری را داده بودند، باز هم رای نیاوردند. دلیل هم این است که روسای هیات‌ها آند‌های باوجدانی هستند و به دنبال مال و منال نیستند.

در مدتی که نبودید هم خیلی‌ها علیه شما موضع گرفتند. نظر نان در این باره چیست؟

اینجا یکسری آدم فریب‌خوره هستند که ۱۴ ماه است اتلافی را علیه من تشکیل دادند اما در نهایت تمام رای‌هایشان به ۶ عدد هم نرسید. اگر قرار بر مهندسی بود که من پابرهنه به لابی‌ها انتخاب نمی شدم و وزارتخانه به سراغ کسانی می‌رفت که پول خرج می‌کردند.

در چند ماه اخیر از یابویجویچ صب‌رست‌تان به عنوان سرمربی تیم ملی نام برده شد که هنوز به ایران نیامده است...

من اصلا این سرمربی را نمی‌شناسم و نمی‌دانم که مسئولان با این مربی تا کجا پیش رفتند. ما روزهای بسیار سختی را در پیش داریم و شاید اصلا فرصت این نباشد که ما مربی خارجی مذاکره کنیم. حتی مخالفان من در انتخابات نیز به این مسأله اذعان داشتند که شناس تیم‌هایی برای کسب سهمیه المپیک ۵۰ درصد است. با این حال ما یک مربی قوی می‌خواهیم اما نظرم این است که در این مقطع بهترین کار، استفاده از مربی ایرانی است.

یکی از اقدامات عجیب در دوران دوری شما از بسکتبال، برگزاری ۲ لیگ ۲ مشابه به صورت متوالی و فشرده بود.

نمی‌دانم چه نظر بفرمایید پشت برگزاری ۲ لیگ متوالی بوده است اما این که بتوانیم در جامی به نام لیگ ملی بسکتبال جوانان زیادی را معرفی کنیم، کار پسندیدهای است. باید این طرح طوری پیش برود که یک لیگ در دره جوانان و لیگ دیگر در دره بزرگسالان باشد تا مسابقات را در این حد فشرده برگزار کنیم.

با توجه به شرایطی که خودتان هم آن را مساعد نمی‌دانید...



اعتراض هواداران بسکتبال در مشهد

شهروند! تمام تفاوت‌های فرهنگ هواداری در ایران و جهان در کمیته تشویق‌ها، خلاصه نمی‌شود. در فوتبال اروپا، هر حرکت و اقدامی، معنای خاص خودش را دارد. مثلا در اسپانیا، بالا رفتن و تکان دادن هماهنگ دستمال‌های سفید به معنای اعتراض است؛ اعتراض به داور، بازیکن خودی، بازیکن رقیب و... شاید این اقدام در فوتبال انگلیس معنای دیگری داشته باشد اما یک حرکت خاص هواداری در همه جای دنیا، یک معنا دارد؛ پشت کردن به تیم!

معنای وارونه
پشت‌کردن هماهنگ به تیم معنای اعتراضی دارد. حتی لقب اولیه هواداران بارسلونا به معنای «پشت» ناشی از عادت آنها به نشان

پشت کردن به معنای حمایت!

دادن اعتراض به تیمشان در مواقع شکست، بود. پشت کردن به تیم در ورزشگاه‌های اروپایی، چندان مرسوم نیست. فقط در شرایطی خاص صورت می‌گیرد. این مدل قهر کردن بیشتر در کشورهای شرق اروپا مرسوم است. به طور مثال در لهستان، هواداران لژیا ورشو، هر گاه تیمشان را گرفتار سربال باخت‌های متوالی می‌بینند در ورزشگاه، مدتی را به تماشا نکرده و رفت می‌کنند. مدتی دیگر در مجارستان وجود دارد؛ طرفداران هر گاه از دست تیم‌هایشان عصبانی می‌شوند در دقایقی از بازی، همزمان آرام و بدون هیچ سر و صدایی پشت به زمین می‌کنند و از تشویق تیمشان دست برمی‌دارند. در ایران اما انگار ماجرا تفاوت دارد.

تشویق پرشور تر
مدل خاص موج‌میکزی ایجاد شده توسط هواداران آن هم در حالی که پشت به زمین دارند، بیش از آن که به رسم معمول در فوتبال و فرهنگ عمومی زندگی (تصویر کنایی قهر دور طرف با پشت کردن) آنها به هم

بگیرد، در دست نیست و شاید با ادامه این روند امثال فغانی که در جام جهانی و فینال جام ملت‌ها مانده است، صحنه محوشوند. حتی این همه‌جا ۱۰۰ نفر زیاد بوده که صدای کاپیتان سابق تیم ملی نیز در آمده و تکونام نیز دیروز در مصاحبه‌ای در دفاع از فغانی پرداخته است: «باید به فغانی کمک کنیم تا به ناحق سر او بریده نشود و شناس ایران برای داشتن یک نماینده داور در جام جهانی کم نشود». اگر چه فغانی باامداد امروز (یکشنبه) برای قضاوت دیدارهای لیگ قهرمانان آسیا ایران را ترک کرد اما لیگ چهاردهم با خطرات تلخی به پایان رسید که ۳۰ هفته تلاش داوران و تیم‌ها را زیر سوال برد.

بررسی قانونی
هوشنگ نصیرزاده، رئیس کمیته تدوین و مقررات فدراسیون و کارشناس فغانی که علیه فغانی چه تأثیر منفی روی کار او در بعد بین‌المللی دارد، به «شهروند» می‌گوید: «این همه‌ای که به وجود آمده، موقتی است و زود از بین می‌رود. البته مطمئنا این اتفاقات هیچ ضرری به کار فغانی در دید بین‌المللی نخواهد داشت چون همان‌طور که قانون گفته تصمیمات داور در یک دیدار نهایی و پایان یافته است. فی‌نایم چون احتمال چنین اتفاقاتی را می‌داده در این نامه خود آورده است که اگر داور به دلیل نوع قضاوت به تماشای و ورزشگاه آسیب‌بزند و حتی اتفاقات ناگواری رخ دهد، باز هم مقصد داور نیست و نمی‌توان داور را مواخذه کرد. بنابراین بهترین است همین جابه‌جی همه‌جا علیه فغانی پایان دهیم چون فقط در صلاحیت کمیته داوران است که در برابر اشتباهات داور خود چگونه رفتار کند.»

خطرات تلخ
چه بهتر بود مسئولان ورزش کشور به جای کارشناسی درباره داور دیدار پایانی لیگ، به دنبال کسانی می‌گشتند که با اعلام خبر اشتباه با احساسات ۱۰۰ هزار هوادار بازی کرد. این که یک داور بخواهد به خاطر قضاوتش حتی اگر در پایین‌ترین سطح باشد، این قدر مورد محروم قرار

بیروزی مشحون در شلوغ‌ترین مجمع تاریخ بسکتبال
شهروند فدراسیون بسکتبال بعد از ۶ ماه بلاتکلیفی به خانه اول بازگشت و باید با رئیس قبلی خود ادامه کار بدهد. در مجمع انتخاباتی این فدراسیون محمود مشحون توانست در رقابت با ۹ نامزد دیگر با کسب ۲۳ رای از مجموع کل آرا ۳۹ رای بود، به عنوان رئیس این فدراسیون برای ۴ سال آینده نیز انتخاب شد و دوره مدیریت خود را تا ۱۷ سال دنبال می‌کشد. البته نفرات بعدی که ۶، ۷، ۲ رای داشتند، در پایان مجمع اعتراض شدیدی به مهندسی شدن انتخابات داشتند و معتقد بودند که این انتخابات شبیه یک نمایش بوده است. در هر صورت اختلاف ناچندان زیادی از باعث شد در انتخاباتی که به خاطر پای کار ماندن ۱۰ نامزد تا آخرین لحظه رقابت تقریبا تاریخی بود، با تمام حرف و حدیث‌ها به پایان برسد و مشحون بعد از ۶ ماه به صندلی ریاست خود بازگردد.



حسین شهروند

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

به عنوان سوال پایانی؛ دلالت در این ۶ ماه برای اتاق ریاست فدراسیون بسکتبال تنگ نشده بود؟

من حتی دلم برای زیرزمین فدراسیون هم تنگ شده بود چون همه چیزم را از بسکتبال به دست آوردم.

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

در این همه ساله که من تجربه کسب کردم، دولت برای من چقدر هزینه صرف کرده است؟ در ضمن من در کدام مرکز کار موفق نبودم که بخواهند به سن و سال من انتقاد داشته باشند؟ یک مدیر جوان باید ۳۰ سال بدون تابتواند تجربه را کسب کند. با این حال هر زمان که تشخیص‌دهند من نیاستم مثل همیشه دستم بالاست و تسلیم هستم.

اشتباه عجیب هواداران فوتبال ایران

شهروند! تمام تفاوت‌های فرهنگ هواداری در ایران و جهان در کمیته تشویق‌ها، خلاصه نمی‌شود. در فوتبال اروپا، هر حرکت و اقدامی، معنای خاص خودش را دارد. مثلا در اسپانیا، بالا رفتن و تکان دادن هماهنگ دستمال‌های سفید به معنای اعتراض است؛ اعتراض به داور، بازیکن خودی، بازیکن رقیب و... شاید این اقدام در فوتبال انگلیس معنای دیگری داشته باشد اما یک حرکت خاص هواداری در همه جای دنیا، یک معنا دارد؛ پشت کردن به تیم!

معنای وارونه
پشت‌کردن هماهنگ به تیم معنای اعتراضی دارد. حتی لقب اولیه هواداران بارسلونا به معنای «پشت» ناشی از عادت آنها به نشان

گزارش «شهروند» از دوئل جامعه داور و مسئولان ورزش برای تعیین سرنوشت یک داور

من یک فغانی هستم!
کارشناسان داور در گفت‌وگو با «شهروند» بر پایان همه‌جا علیه علی رضا فغانی تأکید کردند

حالی فغانی چطور است؟
وقتی هواداران تراکتورسازی بعد از شنیدن خبر تلخ قهرمان نشدن تیمشان به خانه بازگشتند، شاید کمتر از آن فغانی را مقصد قهرمان نشدن تیمشان می‌دانستند اما صحبت‌های مسئولان این تیم و دامن زدن وزیر ورزش به این اتهامات باعث شد تا ۹۹ درصد تقصیر‌ها بر گردن داور بیفتد که تا چند ماه قبل همه به خاطر قضاوتش در فینال جام ملت‌های آسیا و افتخار می‌کردند. با وجود همه‌جا علیه وجود آمده و سکوت فغانی، محمد برادر او می‌گوید: «این مسأله هیچ تأثیری روی روحیه علی رضا نداشته است. او با کارش ایمان دارد و اعتقادش بر این است که مثل همه سنوات گذشته به دنبال موفقیت است. متأسفانه برخی افراد دنبال فرآکنی هستند و عوام می‌داند که فغانی مقصد اصلی ماجراهای زیرزمینی بوده است.»

تحرک جامعه داور
لازم است فلش بکی به ۲ سال قبل برداشته شود و به ماجرا بی که برای محسن قهرمانی رخ داده، اشاره شود. در آن زمان کمتر کسی از او حمایت کرد و نتایج‌اش محوشود این داور مهدی از صحنه قضاوت بود اما تجربه قبلی برای جامعه داور آن قدر تلخ بود که این بار خیلی زود پشت فغانی بايست. علی خسروی که کمپین به نام «من یک فغانی هستم» را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده و سایرین داوران و اهالی فوتبال به پیروی از او از این داور حمایت کرده‌اند، در این باره به «شهروند» می‌گوید: «۳۴ سال که در داور هستم اما اولین بار است که می‌بینم جامعه داور می‌هدل شده تا حق خودش دفاع کند. اکثر دوستان ما تصویر پرورفای خود را به عکس



از کونگ فو تا ارات به فلسطین



خالق کلمات قصار، گشاینده باب جدیدی در هولیگاتیسم در فوتبال انگلیس و بازیگر امروز سینما در حالی امروز راد ۴۹ سالگی می‌شود که پرداختن به زندگی پر حاشیاش غالباً در قالب ستاره نمی‌گنجد. از یک کانتونا، این متولد بندر ماریس وقتی در ابتدای دوران حرفه‌اش فراز داشت، تیم زادگاهش را در اوج می‌دید اما با همان اخلاق خاص خود به این دلایل، راه متفاوتی را برگزید: «تایی» (رئیس وقت باشگاه ماریس) متفاو می‌شد. من با دزدها، قدیمی بر نمی‌دارم.» هر چند ۳ سال ناموفق را در تیم جنوبی سری کرد اما هرگز با آنها به جای نرسید. اولین تهمت جدی زندگی از یک باتسویهر حاشیه‌دار تری پیوند خورد.

از یک پس از اخراج در بسازی روز ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵ منچستر یونایتد مقابل کریستال پالاس به دلیل خطای روی «شاه» در حال خروج از زمین با فغانی سیمون، هوادار شناخته شده رقیب رویه و شد. او وقتی جمله «هرگز در فرانسه... فرانسوی!» را شنید به یک باره سمت صدا دودید و با ضربیه خاص ورزشکاران کونگ فو، جواب حرف‌هایش را داد. حبس ۲ هفته‌ای و ۱۲۰ ساعت کار عام‌المنفعه، این واکنش کانتونا در دادگاه را در پی داشت. «مرغ ماهیخوار فقط به امید افتادن ساردين‌های خاک شده ماهیگیران در آب، شکارچی را تعقیب می‌کند. از همه شما متشکرم!» منچستر یونایتد هم از یک را ۴ ماه محروم و ۲۰ هزار پوند جریمه کرد. ۸ ماه محرومیت و جریمه ۱۰ هزار دلاری اتحادیه فوتبال انگلیس هم به محکومیت‌های قبلی اضافه شد. کانتونا دعوت‌نامه دست‌انداز نشد و دیگری از صحنه فوتبال دور شد.

دنیای فیلم
کانتونا پس از کنار گذاشتن فوتبال به فوتبال ساحلی، تئاتر و فیلم‌روی آورد. بسازی در فیلم «تسهیل کننده» لوچ با نام «در جستجوی سوزی» برای شماره ۷ سلیق منچستر یونایتد شهرت ویژه‌ای به همراه داشت و او سال ۲۰۰۸ در فیلم «الیزابت» کنار کیت بلاتشت بازی درخوردن تحسینی ارايه کرد.

اقدامات سیاسی
از یک سال ۲۰۱۰ مردم را به خارج کردن پول‌هایشان از بانک‌های فرانسه دعوت کرد و سیاست‌های اروپا را زیر سوال برد. ۲۰ سال بعد در اقدامی تحسین‌برانگیز، ۵۰۰ امضا برای ارايه درخواست کمک به سازمان خیریه مخصوص کمک به بی‌خانمان‌ها از بسوی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری فرانسه جمع‌آوری کرد. امضای دادخواستی برای گروه‌گان فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی، کارهای عام‌المنفعه ستاره سابق را به اوج رساند. اگر می‌خواهید از زندگی شخصی او اطلاع کسب کنید، باید بنادید سلطان اولدتر افروز از ازدواج با ایزابل فر صاحب ۲۳ فرزند به نام افائل ۲۷ و ژوزفین ۲۰ ساله است و برادرش که روزی فوتبالیست بود، اکنون یک بازیگر ختاب می‌شود. فراموش نکنید پسرعموی نابغه فرانسوی هم یک فوتبالیست البته نه چندان سرشناس است.

تیتربازی

- فرداد فراد مجیدی و وحید طالب‌پوروز گذشته بر سر مزاج نامسر حجازی حاضر شدند
- سپ بلاگر، رئیس فیفا در پیامی قهرمانی سپاهان در لیگ برتر تراتریک رفت
- تیم ملی والیبال ایران در دیداری دوستانه با نتیچه ۳ بر صفر تیم چک را شکست داد
- با تصمیم هیأت رئیسه فدراسیون کاراته، غلامرضا دباعیان به عنوان سرمربی تیم ملی معرفی شد
- اولین دیدار فینال لیگ بسکتبال امروز میان مهرام و دانشگاه آزاد برگزار می‌شود
- پولت، سریع‌ترین دوندۀ دنیا مدعی شد که تاییسون گای باید به صورت مادام‌العمر از حضور در مسابقات دو میدانی محروم شود
- فیفا با این راه عنوان میزبان جام باشگاه‌های جهان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ معرفی کرد

کاسیاس: می‌ماند و قرار دادم را انجام می‌دهم
افشارزاده: خدا حافظی نه اما نمی‌توانم خودم را به مالک استقلال تحمیل کنم
ایزنزکی: به کارم در میلان ادامه می‌دهم
ابراهیم‌زاده: به کی‌روش ربطی ندارد که چه کسی سر تمرین تیم ملی می‌رود!

اسکوربورد

هفته‌سی و چهارم بوندسلیگای آلمان: بایرن مونیخ ۲- ماینشتی صفر، دور نموند ۳- دور برمن ۲، مونشن گلاذباخ ۱- آگزبورگ ۳، هافن هایم ۲- هر تایلین ۱، هانوفر ۲- فرایبورگ ۱، فرانکفورت ۲- بایرلورکوزن ۱، هامبورگ ۲- شالکه صفر، کلن ۲- وولفسبورگ ۲ و پادبورن ۱- اشتوتگارت ۲ در پایان این فصل بوندسلیگا بایرن مونیخ قهرمان شد و تیم‌های وولفسبورگ، گلاذباخ و لورکوزن سهمیه لیگ قهرمان را به دست آوردند و در پایین جدول پادبورن و فرایبورگ سقوط کردند و هامبورگ به پلی‌آفر رفت.